

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بیکار

۳۱

بیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

- مدنی کیست؟ چرا او را کاندیدای ریاست جمهوری کرده اند؟ صفحه ۲
- اخباری از جنبش دانش آموزی صفحه ۵
- گرامی باد خاطره رفیق شهید محمد حاج شفیعیها
- گزارشی از تظاهرات ضد امپریالیستی

دوشنبه ۵ آذرماه ۱۳۵۸ بهاباضمیمه ۲۰ ریال

با ایمان به نیروی شکست ناپذیر

توده های زحمتکش ایران، با قاطعیت تمام به نبرد با امپریالیسم غارتگر آمریکا برویم!

صفحه ۱ ضمیمه

سطوری از کارنامه جنایت بار امپریالیسم آمریکا

از جنگ جهانی دوم ببعده

صفحه ۱ ضمیمه

نقدی بر مواضع چریکهای فدائیان خلق در مورد طبقات و نیروهای غیر پرولتری

شیوه برخورد پرولتری

یا خرده بورژوازی؟

۴ -

بررسی اجمالی حزب دمکرات کردستان

صفحه ۶

اخباری از: کردستان قهرمان

صفحه ۷

اینست پاسخ خلق ما به مانورهای آمریکا:

ایران را گورستان

امپریالیسم خواهیم کرد!

صفحه ۱ ضمیمه

جنبش گارگری

ارتجاع نتوانست، حتی یکماه کارگران را در خانه کارگر تحمل کند!

■ کارگران بیکار قزوین

صمن شرکت در مبارزات ضد امپریالیستی، به مبارزه خود برای کار، "خانه کارگر" و... ادامه می دهند

■ اعلامیه مشترک عده ای از

کارگران کارخانه شادان پور و داروسازی عبیدی

■ گامی در جهت افشای

سندیکای کارگران بیکار

- اصفهان و حومه -

صفحه ۲

ما به همراه تمام نیروهای انقلابی و توده های آگاه خلق رفرا ندیم کذائی را تحریم می کنیم

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

"نگاهی به کارنامه استاندار خوزستان"

(۳)

مدنی کیست؟ چرا او را کاندیدای ریاست جمهوری کرده‌اند؟

ج - مدنی، همدستان و دوستان

به اصطلاح انقلابی وی

و مسئله رئیس‌جمهوریش

مدنی در تمام حبه‌های با روزنامه جمهوری اسلامی (۱۶ مرداد ماه ۵۸) درباره همکاری‌هایش می‌گوید: "ما کسانی را به کار دعوت کردیم که دریا کیشان تردید نیست... ما فقط دنبال انقلابی و مجاهد هستیم..."

حال ببینیم این افراد "پاک و انقلابی" و عوامل سرسپرده امپریالیسم و ارتجاع که با مدنی جلاد همدستی کرده‌اند تا با توطئه چینی و خادشه آفرینی زمینه مناسب را جهت آماده سازی افکار عمومی برای کشتار خلق عسرب و انقلابیون و سرکوب جنبش کارگری آن ایجاد کنند، چه موجوداتی هستند.

۱ - هاشمی، مشاور حقوقی تیمسار مدنی، دادستان خوتخواستان مرکزی در زمان دولت نظامی از هاری.

۲ - محمدالله آصفی، معاون مدنی، همدست سرتیب رزمی عامل کشتار فوج سینما رکن آبادان!

۳ - توکل ساکت، معاون مدنی در امور رسیدگی به شکایات که سنده دریافت سیدال "یا دیود" سرسپردگیش، اخیراً توسط نیروهای انقلابی منتشر شده است.

۴ - شیخ گرمی روحانی ثروتمند و مرتجعی که از طرف مدنی به سرپرستی "کانون فرهنگی" اسلامی اعراب منصوب شد. کانونی که در ایجاد تفرقه بخصوص بین کارگران عرب و فارس نقش مهمی ایفا کرده است.

این شیخ مزدور که از طرف حزب جمهوری اسلامی کاندید شده و هم‌اکنون نماینده مجلس

هموطنان مبارز! رفقای گرامی!

سازمان ما همواره با پشتیبانی و حمایت همه جانبه شما توانسته است اهداف انقلابی خود را پیش برد. کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتوانید به دست ما برسانید.

تصحیح: در پیکار ۲ صفحه ۲۴ در مورد تحریم رفتارند قانون اساسی "از آنجا که سرما به داری وابسته را... اشتباهاً" از آنجا که سرما به داری... چاپ شده که بدینوسیله تصحیح میشود.

خبرگان است، یکی از مکاتبات شاه‌خانش می باشد که در کتابش تحت عنوان "تفاسح الفكر" بمناسبت جشن تولدش، و خوش آمد

مؤلف در پایان کتاب دو قصیده بلند را که خود در مدح شاه سابق بزیبان عربی سروده آورده است. قصیده اول بمناسبت چهارم آبان زودمی خوش آمد به شاه در یکی از سفرهایش به خوزستان است. این دو قصیده از صفحه ۲۲۲ تا ۲۲۵ کتاب مزبور را دربر میگیرد.

ترجمه چند خط از شعرا و زبیر عنوان " جشن میلاد "

ای پادشاهی که از همه شاهان فراتری، همه عزب و سعادت ما مهرون تو است.

در سایه عدل تو ما به چه آسایش ها که دست نیافتیم، آسایشی که مردمان را چه دستجمعی و چه تک تک تا مل گشته است.

ایران را به زار دوری با بدتهنیت گفت که آغاز و پایان آن با وجود تو درخشان است.

شکوه عدل تو باعث ارجمندی این میلاد است همانگونه که نبوت میلاد (پیامبر) را ارجمندی بخشید.

دینداری از برکت وجود تو بر کشور حاکم است و به برکت تو است که مبلغین، ملحدین را همه جا تنقیب کرده، آنها را می پراکنند.

نشاط الفكر

فی شرح الباب الحادین عشر

هذا الكتاب الذي بين يديك هو القسم الرابع من هذه السلسلة وهو يتكفل البحث عن الامانة في اخر طرز جمع بين حرية البحث والدقة في التفسير والتعكير فناء اية في پایه. ويبحث في نهاية المطاف من المعاد الجسماني وشرح ما يتعلق بابتاع الباب العادي بشر شرح

محمد الكرمي

من الطبع مطبوع المؤلف
طبع سنة ۱۳۸۰
[تقریباً ۱۰۰]

سند شماره ۱

۱۴۰، پرت و بولاهای زیاد دی گفته است. که قسمتی از متن و ترجمه آنرا در سند شماره ۱ می آوریم.

از برکت تو است که کمونیستها تا رومار شده و تا فرمان آنها مطیع گشته‌اند.

به بیست میلیون نفر را با چنان خردمندی رهبری میکنی که رشکها نیا را برانگیخته است.

و چند خط هم از شعر دوم تحت عنوان "خوش آمدید":

شاهان روی زمین را نمیتوان در جلال و مقام با تو مقایسه کرد، تو چون گلی و آنها خسار.

زمانیکه آنها از حمایت رعایای خود محرومند و بیاری از تحریک تدارکند، تو سیاستمدار و پسر

تحریکی.

همت تو چنان عالیت است که با حزم و کاردانی خود، کارگشتگان را یک بیک اصلاح و تکمیل میکنی.

این عشایر (عرب) در حفظ تاج تو چنان استوارند که بیم کوچکترین تزلزلی در آنان نمی رود.

تا دنیا بر ریاست شمشیرهای آنان آخته و اسبان نشان در نهایت ما دگی بسوی میداندند.

سلامت و دوا و زندگی ترا از جان و دل خواستاریم. همه در عشق و محبت به تو غرق اند.

نظرة في الكون

الاولی: تحت عنوان: اباد
يا ما لكأ فاق النابوك و زادي
في الناس عزت جملة وفرادي
متشعماً بك مبدأ و معاد
شرف النبوة عظم الميلا
طول البلاد يطاول الاعياد
و بك الدعاء تطلار الاحاد
متشفتاً و عيشهم متفاد
لولاك عات بها الزمان فساد

كلمة ختام

فأنت ما بينهم ورد و هم حلك
مستقلين و أنت السائل الحرك
تتابع الخطو في اسلاح ماتر كوا
في حنق تاجك لا يخشي بهم درك
و خيلهم لم تنزل باللجم تمتك
في سبك الكل مغروس و منهمك

كلمة ختام

قانون اساسی "خبرگان" زنجیر است به پای زحمتکشان

جنبش کارگری



ارتجاع نتوانست، حتی یکماه کارگران را درخانه کارگر تحمیل کند!

درحالیکه کمتر از یکماه از تصرف خانه کارگران گذشته است، ارتجاع نتوانست تاکنون کارگران را از خانه کارگر بیرون راند. در روز جمعه ۲۵/۹/۵۸ اعلامیه‌ای با عنوان "خانه کارگر آزاد سازیم" و مضمون: "بعد از تجمع و اجتماع جلو خانه کارگر جمع شویم و آنرا از دست مزدوران امپریالیسم! پس بگرییم و با اهالی ساختگی "گروهی از کارگران مسلمان" در میان مردمی که بسوی دانشگاه تهران می‌رفتند، بخش شد (وقتی مزدوران ریز و درشت و بسته‌ها و اک و امیر - بالیم ما نشدند تیسار کارگر، رئیس دفتر ویژه شاه، تیمسار ولی‌الله فلاحتی‌قائل مردم‌شیراز و... بعنوان عناصر انقلابی در راه کارها باشند، طبیعی است که کارگر مبارزی که بسوی گرسنگی خود وزن بجای اعتراض میکنند، آمریکا می‌مرفی شود!)

بعد از تجمع و اجتماع، حدود ۱۵ نفر و باش مجیزه پنجه‌بوس، با توموکلت، در حالیکه فریاد می‌کشیدند مزدوران آمریکا می‌توانند در خانه کارگر جمع شده اند و نزدیک به ۲۵ نفر مردم مسلح که خود را ما سوران کمیته معرفی میکردند و سوار بنزهای سیاه رنگ بودند، پیشاپیش آنها حرکت میکردند، و حتماً به خانه کارگر حمله کردند و حدود ۸ نفر کارگری که در آن بودند، بطرز فجیعی مورد ضرب و شتم قرار دادند و از خانه کارگر بیرون کردند. این مزدوران و عوام میل سرما به داران با پنجه‌بوس به کارگر پیری که نزدیک ۶۰ سال داشت چنان ضربه وارد کردند که بحالت اغما افتاد. آنگاه بسبب کارهای

● اوپاشان کارگر پیر ۶۰ ساله‌ای را با پنجه‌بوس آنچنان زدند که بحالت اغما افتاد.

و حتی رژیم مزدور شاه، تمام شیشه‌های اطرافها را شکستند. کارگران خشمگین و خون‌آلود سینه‌های خود را در برابر سلاحهای آمریکا نشی پاسداران باز کردند و گفتند: "ای مزدوران، شما آمریکا می‌هستید یا ما؟ شما توکرات آمریکا هستید یا ما؟ شما در حالیکه برای فریب ما کارگران، شعار داد آمریکا می‌دهید عملاً اقدام ضد آمریکا می‌انجام نمی‌دهید، در حالیکه ما عمل خواهیم کرد و آمریکا و عمالش که شما از آنها پشتیبانی میکنید نابود خواهد شد. وقتی ما مبارزه می‌کردیم و در خفا با آنها فریاد می‌کشیدیم، بعد از آن به نوبت آمریکا است، شما کجا بودید؟ ما شما را خوب می‌شناخسیم! شما آن موقع در اداره، حفاظت کارخانه‌ها از سرما به داران مواظبت می‌کردید! همان سرما به داران نیکه در هیئت حاکمه هستند و شما برای سرکوبی ما فرستاده‌اند. آری شما هراسان از همبستگی ما است، این را خود ما خوب می‌دانیم. اربابان شما از شکل ما وحشت دارند، بهمین خاطر هم نشناختند ما را با شما اینجا ببینند، اما کور خوانده‌اند، ما سلاح خود را پیدا کرده ایم، ما در سایه همبستگی با زاینجا را پس خواهیم گرفت." کارگران چون تعدادشان زیاد نبودند پراکنده شدند، در حالیکه بهیچ وجه قضیه را تمام نمیدانستند. آنها در حالیکه با سروصورت خون‌آلود مصمم، پراکنده میشدند، گفته‌ها، دوستان را بیاد می‌آوردند که روز (۱۴/۹/۵۸) در خانه کارگر گفت: "دوستان! بورژوازی برای خود قاضی داد و در آن اینکه هر کارگری که اعتراض کند، با پدسرکوب شود! ما کارگران هم قانونی داریم و آن اینکه تا زمانیکه سرما به داران را و شما روجودا رد، مبارزه خواهیم کرد."

در رابطه با اخراج سکا رگر مبارزان کارخانه، نادان بورژوازی که در کارخانه دار روسازی عیبی اعلامیه مشترکی از طرف عده‌ای از کارگران این دو کارخانه منتشر یافت که، ملاحظه می‌کنید: اعلامیه مشترک عده‌ای از کارگران کارخانه نادان بورژوازی عیبی

اعلامیه مشترک عده‌ای از کارگران کارخانه شادان پور و داروسازی عیبی

کارگران مبارزان با ردیکر سرما به داران زالی و زحمت برادران کارگر ما را از کارخانه اخراج کردند. آنها فقط و فقط بشکر سود خودی با شند و برای جلو گیری از کم شدن آن حاضرند. هر جناحی دست بزنند، از جمله اینکه کارگران را بسوی بهانه‌های بوج دست‌نواخته اخراج کنند، و بسوی ترتیب به صف بشما ریبیکاران بیافزایند. وقتی تعداد ریبیکاران زیاد شد و بیرون کارخانه صف طویلی از کسانیکه جویای کار هستند بوجود آمدند شوق کارفرمای زالی و شوق میتوانند فشار را به کارگران زیاد کنند. مثلاً می‌توانند مزد کارگران را کاهش دهند - و اگر با اعتراض آنها مواجه شد بر حاشی میتوانند آنها را اخراج کنند و از میان ریبیکاران کارگزاران استفاده نمایند. بدین ترتیب بخوبی می‌بینیم که کارفرما از صف ریبیکاران بعنوان چماق سرکوب کارگران شاغل استفاده میکند. ما باید تلاش کنیم تا تعداد کارگران ریبیکار هر چه کمتر شود، تا سرمایه‌داران خونخوار نتوانند زینتی از کارگران (ریبیکار) بر علیه بخش دیگری از کارگران (شاغل) استفاده کنند. در اینجا رابطه بین مبارزه کارگران ریبیکار و کارگران شاغل روشن می‌شود.

اولین قدم ما در حمایت از کارگران ریبیکار این است که نتوانیم تعداد کارگران ریبیکار را از آنچه هست بیشتر کرد. برای اینکار باید مانع اخراج کارگران از کارخانه‌ها شویم. باید متحدان ریبیکار در مقابل کارفرما حمایت کنیم.

کارگران زحمتکش! سرما به داران زالی و شوق برای اینکه اخراج کارگران را خوجیه کنند دست به هزار تریک و فریب می‌زنند تا بقیه کارگران نتوانند به حقیقت آگاه می‌باشند تا از کارگران اخراج شده حمایت نکنند در اینجا وظیفه کارگران مبارزان آگاه است که برای بقیه کارگران حقایق را افشاء کنند.

مثلاً در طی چند روز گذشته عده‌ای از کارگران کارخانه شادان پور (۳ نفر) وعده‌ای از کارگران داروسازی عیبی (حدود ۱۰ نفر) را اخراج کرده‌اند. این مسئله مخصوصاً بین دو کارخانه نیست. در چند ماه گذشته دهها هزار کارگر از مدها کارخانه‌ها در سراسر کشور اخراج شده‌اند. این مطلب را حتی مقامات دولتی که همیشه سعی در پنهان کردن حقایق میکنند، نمی‌توانند انکار کنند. ما امروز شاهد آن هستیم.

ای کارگران زحمتکش به شوش باشید! بدانید که هر چه صف ریبیکاران طویل تر شود چماق سرکوب کارفرمایان زالی و شوق سنگین تر می‌گردد.

برای جلوگیری از اخراج کارگران و برای حمایت از ریبیکاران باید متحد شویم.



پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

گامی در جهت افشای سندیکای کارگران بیکار اصفهان و حومه

بودند که در عمل نشان دادند تا چه اندازه به حرفها پشان پایدار هستند. بقیه در بیرون به علت جو خاکم و دور- خیزی که از قبل رژیم در جهت سرکوب حرکت انقلابی توده ها کرده بود و در این رابطه خانه کارگران اصفهان را هم مثل سایر شهرها بسته بود، با مشکل تنهایی و عدم تحرک سندیکا مواجه شدند.

این ها بجای افشای نمایندگانی که به سرکار رفته و کارگران را قائل گذاشته بودند، سکوت کردند و پورده از سازشکاری ها و زدوبند های آنان در محل کار با نمایندگان اداره کار و شرکت آمریکایی فلورن تا این که در آن برای دفاع از منافع کارگران به قول خودشان مبارزه می کردند! اینها شدند، بعدها همین نمایندگان شاغل به همراه یکی از نمایندگان که شاغل نبود، وقت را تا آنجا کشاندند که با حزب جمهوری اسلامی که قصد تصرف خانه کارگر را بطور غیرقانونی جهت متمرکز کردن شورا های فرمایشی آن در اصفهان و حومه را داشت، به مذاکره نشستند و در عمل با آنان سازش کردند. آنان بجای آنکه کارگران را جمع کنند و با آنها تکیه بر نیروی لایزال کارگران انقلابی اصفهان و حومه خانه شان را و محل قانونی سندیکا پشان را با زیر پا بگیرند، آن را گدایی کردند.

در جواب با زخواست کارگران که چرا علامیه چاپ نکردید و یا به هر شکل دیگر ما را جمع نکردید (توضیح اینکه بعضی از کارگران مجبورند از فاصله ۱۵۰ کیلومتری و با احتیاس دورتر به اصفهان بیایند)، جواب دادند که چون کمیته اجازه چاپ علامیه را به ما نمی داد، ما هم نمی توانستیم و حق نداشتیم اجتماع کارگری تشکیل دهیم!!

علت چیست؟
چرا بعضی از همین آقایان در جریان مبارزات اولیه برای تشکیل سندیکا آن طور فعالیت می کردند و بعد از آن که سندیکا ثبت شد و حتی از طرف دولت به رسمیت شناخته شد، این گونه به لجن زار سازشکاری و خیانت افتادند. علت این است که آنان تنها برای ارضای حس خودپرستی شان اقداماتی کردند و نه برای طبقه کارگر و اگر هم حرکتی انقلابی نموده شده در حقیقت در تاسیس فشار و خواست مصرا نه کارگران بوده و نه ناشی از اندیشه انقلابی نمایندگان. (۳)

بقیه در صفحه ۸

رفته و مجدداً اداره کار را به تصرف خود در آوردند. این بار بجای آقای ابوترابی پیش برای شکستن تخمین کارگران آن مدولی توفیق نیافت. کارگران می گویند تا به آنها خانه کارگر نهند اداره کار را ترک نخواهند کرد. و تا تاریخ تهیه این گزارش (روز پنجشنبه اول آذر) در اداره کار متحصن هستند. کارگران بیکار روز چهارشنبه در تظاهرات ضد امپریالیسم آمریکا شرکت کردند و پس از آن هیما می مجدداً به اداره کار برگشتند.

نوشته زیر را یک کارگر بیکار از اصفهان برای نشریه بیکار فرستاده است
این سندیکا از ابتدای تشکل کارگران و زحمتکشان ایران در اوایل انقلاب به تشکل کردهم آبی کارگران چند شرکت پروژه ای خارجی اصفهان در مسجدی و پس از آن در خانه کارگر قوام یافت.

پس از نوروز سال جاری در بهار آزادی راه پیمایی مسالمت آمیز کارگران از سوی بازاریان و مرتجعین به خون کشیده شد. و در جریان تیراندازی چندین نفر زخمی و کارگری مبارز بنام نامرتوفیقین که از قبل توسط مرتجعین شنا سایی شده بود، در جریان ازدحام آنان در محل استانداری اصفهان ترور شد!! وعده زیادی نیز با زدا شد. پس از آن کمیته و بازاریان کوشیدند از اجتماع کارگران جلوگیری نموده و به عناوین مختلف تجمیعات کارگری آنان را از طریق تیراندازی و دستگیری و با زدا شد نمایندگان برهم زنند.

کارگران پس از جمع بندی حرکات خود تصمیم به ثبت سندیکا و قانونی کردن آن گرفتند. پس از انتخابات غیردمکراتیکی که در مرداد ماه انجام شد، عده ای نماینده شدند که از ما هیئت و قاطعیت آنان خودکارگران هم بطور مدبرانه مطمئن نبودند. حتی بعضی از آنان از همان آغاز به جای برخوردی اصولی با مشکلات کارگران به جای غلبه و جابجایی افتاده بودند. همین ها در جریان انتخابات و بعد از آن با دست بندی و جبهه گیری علیه کارگران مبارز و آگاه در سندیکا موجب منزوی شدن آنان شدند. و به اصطلاح میدان را از وجودشان پاک کردند!! و این طور استدلال می کردند که این ها نمی خواهند منطقی باشند! و منطقی مبنا رزه کنند!

آنان پس از این پاک سازی!! از وجود کارگرای که با اشتقا دات اصولی خود به نحوه رفتار روبرو شدند نمایندگان با مشکلات کارگران موی دماغ آنان شده بودند، با خیال راحت دست وارد گود شدند. چرا که حالا سندیکا هم ثبت شده بود. لیکن در عمل سازشکاری، نا آگاهی و خود مرکز بینی عده ای مشخص شد. این عده در اولین شرکت ساختمانی که شروع بکار کرد، به بیانه دفاع از منافع کارگران شاغل استفاده شدند. در حالی که در اساسنامه به دقت نوشته شده که نمایندگان حق داشتن هیچگونه شغل انتفاعی را ندارند. و حتی دوسه نفر از همین حضرات خودشان در شورای موسس سندیکا هم عضو

اینجا هستند ولی می بینیم که شما کارگران بیکار در اینجا هستید و شروع کرده به نصیحت کردن کارگران و کوشش در تفرقه انداختن بین آنان و سرانجام به آنها قول داد در صورتیکه کارگران تخمینشان را بشکنند تا روز دوشنبه کار برای آنها پیدا خواهد کرد. کارگران صبح شنبه تخمین خود را موقتاً شکستند. اما روز دوشنبه هم مدولی از کار خبری نشد. کارگران روز سه شنبه در حیاط فرمانداری (خانه موقت کارگر) اجتماع کردند. و پس از آنجا بسوی اداره کار

همانطور که سرمایه داران خونخوار متحد شده اند. آنها در درون دولت سرمایه داری متحد شده اند و ما با بد در درون سندیکا ها و شورا های واقعی متحد تویم.

کارگران زحمتکش! ما بخوبی حمایت رژیم حاکم از سرمایه داران در زندگی خود لمس کرده ایم. مگر وزارت کار حامی سرمایه داران نیست؟ مگر کشتار کارگران قهرمان پارس میشو در غم دره توسط پاسداران نشان حمایت رژیم حاکم از سرمایه داران نیست؟ مگر دادن وام های کلان از طرف رژیم به سرمایه داران نشانه پشتیبانی از آنها نیست؟ هیچکس نمیتواند این حقایق را انکار کند.

ما عده ای از کارگران این دو کارخانه حمایت خود را از کارگران اخراجی اعلام می کنیم و خواهان بازگشت آنها به سرکار هستیم و در این رابطه توطئه کارفرما را برای اخراج این عده، شدیداً محکوم می کنیم.

۱- کارگران شاغل با پیدا زکارگران بیکار حمایت کنند و اولین قدم در این راه جلوگیری از اخراج کارگران می باشد.
۲- کارگران تنها با اتحاد و همبستگی به حقوق حقه خود میرسد.

"عده ای کارگران کارخانه شان را پورده و روزی عبیدی"

مبارزات ضد امپریالیستی کارگران بیکار قزوین

کارگران بیکار قزوین ضمن شرکت در مبارزات ضد امپریالیستی بمبارزه خود برای "کار"، "خانه کارگر" و... ادامه می دهند.

در پی تحسن کارگران بیکار قزوین در فرمانداری، به آنها قول داده می شود که تا روز چهارشنبه ۱۶ آبان همگی آنها توسط چند کارخانه به استخدام درآیند. اما همانطور که انتظار می رفت کارگران بیکار قزوین در روز چهارشنبه با عدم شجاعت قبول داده شد، روبرو گشتند. و به همین دلیل تحت فشارهای مختلف زندگی، با خشم و نفرت نسبت به سرمایه داران به خیابان ریختند و شعارهای چون وعده و وعیدنا نشیسه، اتحاد اتحاد کارگران اتحاد، را فریاد کردند. و سرانجام بدون اخذ نتیجه ای متفرق شدند. در روز پنجشنبه کارگران بعد از یک راه پیمایی شویا مبارزانه اداره کار را تصرف کردند. صحبت های "وجدانی" رئیس سپاه پاسداران نتوانست آنها را به شرکت اداره کار وادارد. بلکه کارگران خود را از اداره کار اخراج کردند. "وجدانی" میگفت که علت بیکاری شما کارگران وجود کثرت و رزائی است که به شهر آمده اند! روز جمعه حاج سید عباس ابوترابی (روحانی شهر) به جمع کارگران آمد و به آنها گفت که بما گفته بودند که عده ای ضد انقلاب

اخباری از:

جنبش دانش آموزی



ایلام

خلفا و عده "نما بینده" استانداری بدنبال عدم اجرای وعده‌ای که نماینده ایستاندار به دانش آموزان متحمن دبیرستان امیرکبیر (که خواستار آب و برق برای دبیرستانشان بودند) داده بود، بار دیگر روز شنبه ۵۸/۸/۱۹، کلیه دانش آموزان این دبیرستان بعنوان اعتراض از رفتن بکلاس خودداری کردند و اعلام نمودند تا رسیدن به خواسته‌هایشان سر کلاس حاضر نخواهند شد.

ارومیه

شکنجه و آزار دانش آموزان مبارز شب ۵۸/۸/۱۶، سه نفر از دانش آموزان مبارز دبیرستانهای ارومیه که با نوشتن شعار روی دیوار به افشای ماهیت مجلس خبرگان پرداخته بودند، توسط پاسداران دستگیر و بدکمیته برده می‌شوند و در آنجا بوسیله کمیته - جی ها (که بیشترشان همان ساواکپه‌سای سابق اند) شکنجه می‌شوند. بدنبال این حادثه، دانش آموزان مبارز دبیرستان معنوی دست به تظاهرات می‌زنند و آن خواستار آزادی فعالیت سیاسی و دانش آموزان اسیر می‌گردند. سه روز بعد دانش آموزان زندانی آزاد می‌شوند.

نمین

دستگیری بجرم طرز تفکر در نیمه دوم آبانماه در همین یکی از توابع اردبیل، شن نفردانش آموز و چند نفر دکتر که سابقه مبارزاتی هم داشته‌اند، به اتهام کمونیست بودن دستگیر شده‌اند، از سر نوشت دستگیرشدگان تا کنون اطلاعی در دست نیست.

دمشلی

هرکس اعتراض کند ضدا نقلابی است بدنبال اعتراض دانش آموزان دبیرستان دخترانه نظامیه این شهر به کمبود کادر آموزشی و دیگر نارسائیهای دبیرستان، مدیر دبیرستان دانش آموزان را به صف کرده و ضمن سخنانی میگوید: "باید همین وضعی که هست بسازید، و اگر کسی اعتراض کند، بعنوان ضدا نقلابی اخراج می‌شود."

تبریز

معاون دبیرستان دخترانه ابراندخت را بجرم عدم سرکوب دانش آموزان در موقع تظاهرات و اعتماد منتقل کرده‌اند.

بروجرد

حمایت دانش آموزان از دیپلمه‌های بیگانه

توانست تحمل کند، با چماق بدستان مزدورشی به صفوف آنها حمله کرد. بدنبال این حادثه دانش آموزان دبیرستانهای مذکور، روزهای ۸/۱۵ و ۸/۱۶، دست به تظاهرات و تحن در دبیرستانهای خود زدند و خواستار دستگیری و محاکمه مهاجمین چماق بدست شدند. (نقل به اختصار از: "درمدا رس چه میگذرد؟" شماره ۵ نشریه دانش آموزان مبارز بروجرد)

روز ۵۸/۸/۱۴ بسیاری از دانش آموزان دبیرستانهای ۱۲ شهریور، آلاذپوش، محبوبه منگدین، صدیقه رضا... و همایون کتیرا شی به پشتیبانی از دیپلمه‌های بیگانه متحمن در دادگستری، دست به تظاهرات زدند و سپس به صفوف آنها پیوستند. اما ارتجاع که همبستگی دانش آموزان با دیپلمه‌های بیگانه را نمی -

دستگیری یک دانش آموز، بهانه‌ها خواندن اعلامیه ضد آمریکا

لیستی شده‌ها هر روز و از تازه‌ای میگیرند و هیئت خاکمه می‌کشد، ضمن مها و کردن آن خود را برچمدار این مبارزه معرفی کند! بدنبال این واقعه عده‌ای از مردم شهر و خانواده دانش آموز شدیدا اعتراض کرده‌اند و فرماندار توضیح می‌خواهند. فرماندار تحت فشار افکار عمومی، طی نامه‌ای به مرکز سپاه پاسداران تبریز، و خیم بودن اوضاع شهر را متذکر می‌شود. پس از این نامه، دانش آموز دستگیر شده آزاد می‌گردد. در زیر نسخه‌ای از نامه فرماندار هشتگرد را ملاحظه می‌کنید:

هشتگرد (سراسر)

روز ۵۸/۸/۲۲ عده‌ای از دانش آموزان هوادار سازمان بیگانه در راه آزادی طبقه کارگر اعلامیه‌ای تحت عنوان "بعد از شاه نبوت آمر - بیگانه است" در دبیرستان مولوی بخش می‌کنند. یکی از دبیران این دبیرستان دانش آموزی را در حال مطالعه اعلامیه مذکور شنا ساشی کرده و او را به مرکز سپاه پاسداران هشتگرد معرفی می‌کند. بلافاصله چند پاسدار به دبیرستان ریخته و دانش آموز مزبور را دستگیر و به مرکز سپاه پاسداران تبریز اعزام می‌کنند. این اعمال زمانی انجام می‌گیرد که مبارزات ضدا مبررا -

شماره
 شماره خصوصی
 نوع پیش نویس
 موضوع پیش نویس
 مسئول تاریخ با کتویس
 وزارت کشور
 استانداری آذربایجان شرقی
 فرمانداری هشتگرد
 تاریخ تحریر ۲۵۳ تاریخ ۲۵۳ تاریخ خروج ۲۵۳

شماره ۱۰۰
 پیرو مدارک و بطن با برادران و همکاران مبارز نام
 دکتر و دیگران در راه آزادی و استقلال ایران که در هشتگرد
 و همچنین در راه آزادی و استقلال ایران که در هشتگرد
 به هشتگرد اعزام دارند
 سواد را
 ۵۸/۸/۲۲

فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع زحمتکشان باشد

نقدی بر مواضع چریکهای
فدائی خلق در مورد
طبقات و نیروهای
غیر پرولتری

— ۴ —

شیوه برخورد پرولتری یا خرده بورژوازی؟

بررسی اجمالی حزب دمکرات کردستان

"مسئله روش برخورد سوسیال دموکراسی (کمونیستی) به احزاب بورژوازی یکی از مسائل "عام" یا تئوریک بشمار می رود. یعنی از آن مسائلی است که مستقیماً بهیچ وظیفه مشخصی که در لحظه معین در مقابل حزب قرار می گیرد مربوط نمی شود... (لنین: شیوه برخورد به احزاب بورژوازی)

خود از سازش و بندوبست با بورژوازی حاکم و با نیروهای فدا خلقی چه در منطقه ماننسد فئودالها و قباده موقت و چه سوسیال -

قرار گرفته اند. جناحهای رهبری حزب علیرغم پوشش ایدئولوژیک متفاوت (روزیونیستی و ولیرال ناسیونالیستی) مجموعاً نمایندگی

قبل از برداختن به مواضع ونحوه برخورد رفقای فدائی نسبت به حزب دمکرات کردستان تا آنجا که باین مقاله مربوط میشود، ما مختصراً به مواضع، نظرات و محتوای طبقاتی این حزب در سالهای اخیر و عملکردهای کنونی آن میپردازیم.

سازمان اولیه این حزب در حدود ۳۵ سال پیش بوجود آمد و تقریباً یکسال (۲۴ - ۲۵) تحت رهبری عناصر مترقی و ملی همچون قاضی محمد با ایجاب جمهوری میباید قدرت را در محصل در دست گرفت.

پس از یورش قوای نظامی شاه مزدور در سال ۱۳۲۵ و شکست حکومت ملی قاضی محمد در محل این سازمان به شیبه ایالتی حزب تسویه تبدیل گردید که تحت نام دمکرات عمل می نمود.

طی دهه چهل عناصر رزوا انقلابی کرد با مرزبندی با سیاستهای محافظه کارانه و اپورتونیسم رزوا کارای حزب یک جریسان انقلابی را در سالهای ۴۵ - ۴۷ پایه گذاری کردند که بدینش خلق کرد، تحرک و غنای بیشتری بخشید. اما این جنبش انقلابی که در اس آن انقلابیونی چون رفیق شریف زاده و دمکرات های انقلابی ای چون ملا و آره و... قسراً دستنهادن با یورش همه جا نبود و چنانکه رانته رش مزدور شاه خائن و تحت فرماندهی اویسی جلال سرکوب گردید. رهبری حزب دمکرات فرصت طلبانه از این شکست در توجیه سیاست محافظه کارانه و بی عملی خود بهره جست و در خارج از کشور هم چون برادران تنی خود (رهبران حزب توده) در انتظار فرصت نشست و با او جگیری مبارزات خلق در سالهای اخیر به ایران منتقل مکان کرد. بویژه بعد از قیام با استفاده از خلا سیاسی موجود در کردستان و بهره گیری فرصت طلبانه از سابقه مبارزاتی حزب در گذشته دور توانست بسرعت با سازمان یابی مجد دست بزند.

نگاهی به برنامه و اساسنامه و ترکیب رهبری در برنامه و اساسنامه حزب دمکرات مصوبه کنگره ۱۹۷۲ چنین ذکر شده:

"۳- آرمان نهائی حزب دمکرات کردستان ساختمان جامعه عادلانه سوسیالیستی است..."

"۴- زمین به کسی متعلق است که روی آن کار می کند. زمینهای دشمنان خلق در بین دهقانان فاقد زمین تقسیم میشود..."

همچنین ماده ۳ اساسنامه میگوید:

"حزب دمکرات کردستان در فعالیت خود از تئوری علمی تکامل جامعه پیروی میکند." در اس این حزب عناصر ملی لیبرال و روزیونیستهای مدرن (نوع حزب توده ای)

● حزب دمکرات در اعلامیه ای تحت پوشش دفاع از خلق کرد، مبارزه دهقانان زحمتکش با ملاکین ضد خلق را محکوم می کند!

● س. ب. ف. خ. با قراردادن کلیه "سازمانهای سیاسی خلق کرد" در یک ردیف و با سکوت کامل در باره ماهیت لیبرالی و سازشکارانه حزب دمکرات و "انقلابی" قلمداد کردن آن، مرزبندی نیروهای طبقاتی با اهداف متضاد را مخدوش کرده و به دنباله روی توده ها از لیبرالیسم کمک نموده و یکبار دیگر مبارزه طبقاتی را از یاد برده است.

امیرالیسم شوروی و یا حکومت فد خلقی عراق ابائی ندارد.

حزب دمکرات و مسئله ارضی

نابودی تمام اشکال ماقبل سرمایه داری یکی از اساسیترین مسائلی است که حل آن وظیفه انقلاب دمکراتیک است. حل مسئله ملی کردستان از مبارزه دهقانان زحمتکش بر علیه بقای ملاکین و خانها جدا بی ناپذیر است.

امروزه مبارزه دهقانان زحمتکش بر علیه ملاکین و بقایای فئودالیسم یکی از مضامین اصلی مبارزه خلق کرد را تشکیل می دهد. رهنمود برنامه پرولتاریائی اینست که با مصادره ارضی ملاکین بنفع دهقانان زحمتکش میتوان راه غلبه بر موانع پیشرفت اقتصادی و اجتماعی در این منطقه عقب افتاده را هموار کرد. حال بسبقیم سیاست حزب دمکرات کردستان در مورد مسئله ارضی چیست. کمیته مرکزی حزب دمکرات در یکی از اعلامیه های خود درباره مسئله ارضی هم از ملاکین که به ارضی دهقانان هجوم آورده و خواهان بهره های مالکانه هستند و هم از دهقانان زحمتکش که بحق زمینهای ملاکین را مصادره کرده و از هستی خود در مقابل هجوم و حشیا به آنان دفاع میکنند انتقاد کرده و چنین میگوید: "... متأسفانه در نوع برداشت نا درست از مسئله ارضی بوجود آمده است. از یکطرف در بعضی نقاط برداشت نا درست ما حیان زمین (!) موجب تجاوز و دبت اندازی به کشاورزان شده... و از طرف دیگر برخی از برادران خوش نشین ما چنین میپندارند که اکنون دیگر هر چه و مرج و بی بند و باری (!) حکمفرماست... هر کس مستقلاً میتواند زمین مالک قبلی و یا مزرعه همسایه خویش را غصب کرده و شخم بزند." (تاکید از ما ست)

بورژوازی را دارند. خط مشی و سیاست آن اساساً بورژوازی و رضا داین حزب با بورژوازی حاکم از مقوله تضاد بورژوازی ملت ستم دیده (با تمامی خصوصیات بورژوازی در مرحله انقلاب دمکراتیک توده ای در عناصر امیرالیسم) با بورژوازی ملت حاکم ستمگراست. بدون شک در درون حزب گرایشات خرده بورژوازی دمکرات وجود دارد که در رهبری نماینده نداشتند و در خط مشی عمومی و سیاست عملی حزب پرودوتا ثیر قابل توجهی ندارد. حزب بخش قابل توجهی از خرده بورژوازی مرفه شهری و خرده مالکان و دهقانان متوسط کرد را در بر گرفته است.

ترکیب رهبری، برنامه و اساسنامه مصوبه و سیاست و خط مشی آن ماهیت بورژوازی و نقش و حضور فعال جریان روزیونیستی مدرن در آنرا آشکار میکند. در مورد مسئله وابستگی حزب همانطور که در قسمت اول همین مقاله در بیکار ۲۸ ذکر کردیم مسئله وابستگی اش اساساً جنبه ایدئولوژیک سیاسی و طبقاتی داشته و تکیه بر مزدور بودن و جاسوس بودن عناصری از رهبری در بیان خلقت وابستگی و سیاستهای حزب را نادرست میدانیم.

با اینکه برنامه حزب هدف نهائی خود را با سلاطین ساختمان جامعه عادلانه سوسیالیستی (نوع حزب توده ای) قرار داده و اساساً نام آن میگوید: "حزب دمکرات کردستان در فعالیت خود از تئوری علمی تکامل جامعه پیروی میکند"، ترکیب طبقاتی آن به موجب ماده ۲ اساسنامه شامل طبقات مختلف کردستان میگردد. همانطور که فوقاً ذکر شد خط مشی و سیاست عملی حزب سیاسی است بورژوازی لیبرالی که آشنی طبقات را تبلیغ کرده و در محدوده تنگ ناسیونالیسم بورژوازی خواهدان "حل" مسئله ملی است و در این راه با اعتبار ماهیتش برای دستیابی با اهداف

اخباری از: کردستان قهرمان

دهفته آخر آبان ماه دوفراش توسط پیش مرگان دستگیر شده و به مقر "گه‌لوی" (بین پیرانشهر و سردشت) برده شدند. جاشا التماس کرده و ادعا میکنند که به سبب بی پولی بیس اینکار رکنیده شده اند، پیش مرگها با قبول گرفتن آزانها که دیگر جاشی (مزدوری) نکنند آنها را آزاد کردند. روز پنجشنبه ۸/۲۴ دوجاش مذکور حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ پاسدار رشتی را به مقر مذکور رانند و همایش کرده و مقر را ساعت ۴ صبح محاصره میکنند، جنگ شروع میشود. خبر درگیری به بیایگا های دیگر پیشمرگان میرسد و عده ای پیش مرگ به باری محاصره شدگان می آیند. در این درگیری مواضع پیش مرگها توسط فانتوم و طلیکو پتر مورد هجوم قرار گرفت. درگیری تا ساعت ۸ شب ادامه می افتد. حدود ۶۰ تا ۷۰ نفر نیروهای دولتی (که ۳۰ نفر آشان جاش بودند) کشته شدند. یک پیشمرگ شهید و دو پیشمرگ دیگر زخمی شدند. در ایسن درگیری یک طلیکو پتر سرتیون شد.

سندج

تظاهرات به پشتیبانی از افسر مبارز، بهروز بهروزنیاز همزمان با مذاکرات هیئت دولتی در کردستان، فرماده ژاندارمری کردستان، سرهنگ شریفی به افسر مبارز، بهروز بهروزنیاز دستور بمباران مردم سردشت را می دهد، اما این فرزند دلاور خلق کرد زیر بار اطاعت کورگورانه شرفه و فرمانده مذکور را با تلیک گلوله از پای درمی آورد. بدنبال ایسن واقعه، بلندگوهای دولتی فریبکارانه اعلام کردند که افسرنا میرده قند داشته طلیکو پتر را ربوده و به عراق ببرد. زهی وقاحت و بیشرمی مردم قهرمان ایران نباید دارند که رژیم مزدور آریا مهری هم بارها و بارها کوشید حركات انقلابیون ما را با نسبت دادن به کشور های بیگانه از جمله عراق، لوث نماید. آری، ارتجاع کوراست. ارتجاع فقط ثانوک بینی اش را می بیند، اینست که با وجودیکه تجربه سقوط رژیم پوزالی شاه خائن بیخ گوش اوست، همچنان به شیوه های شکست خورده آریا مهری متوسل می شود.

بدنبال دستگیری افسر مبارز توسط دیگر سرنشینان طلیکو پتر، مردم مبارز سندج در تاریخ ۵۸/۸/۲۳ طی تظاهرات با شکوه و چندین هزار نفره، خود بمنتظر پشتیبانی از افسر مذکور و آزادی بدون قید و شرط وی شمسار می دادند:

"ارتش فد خلقی نا بود با بید کرد،"

بهروز بهروزنیاز، این فرزند خلق مسا آزاد باید کرده. " خود مختاری حق ما ست، آمریکا دشمن اصلی ما ست. " در همین رابطه روز پنجشنبه ۵۸/۸/۲۴ اعتماد عمومی اعلام شد و همه، مظالم های شهر بسته بود.

شنگ و نفرت بر فریبکاران

سردشت

آزادی اسیران کارگر در تاریخ ۵۸/۸/۲۰ ستن به اسمی قاسم یزدیان کارگر کشتارگاه، متولد راک، مقیم تهران، نورالله تاکلی کارگر اهل شهرضا، احمد آغاسی کارگر تاشی اهل شهرضا که بدنیا ل عوام فریبی ارتجاع برای جنگ به کردستان رفته و اسیر پیشمرگان کومه لاه شده بودند، پس از مداوای زخمی که در جریان جنگ برداشته بودند و نیز پس از تشریح خواست های عادلانه، خلق کرد برای آنها، آزاد شدند. (بمنقل از خبرنامه کومه لاه شماره ۹)

مریوان

اعدام انقلابی حسن بیگ نجی (شه چی)

ساعت ۹ شب ۵۸/۸/۹ رگبار مسلسل های پیشمرگان قهرمان سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان قلب نا با کویکی از بزرگ جاش های منطقه، مریوان را از کار انداخت. این مزدور کثیف حسن بیگ نجی نام داشت و در زمان شاه خائن مدتی مسئول گروه ضربت ژاندارمری شاهنشاهی و نیز از فعالان ساواک منحل شده بود. بیگ نجی پس از قیام شکوهمند خلق های ایران، رنگ عوض کرده و مانند بسیاری دیگر، یک شبه "انقلابی" شد و به خدمت ارتجاع درآمد و با تمام قوا به پیاپی ده کردن نقشه های شوم مرتجعینی چون چمران پرداخت. وی از جمله کسانی بود که فعلا لانه در جنگ های فدائ انقلابی سقز، بانه، سردشت و درگیری با ساگا، درکی و... شرکت کرد و به کشتار خلق کرد پرداخت.

از مهم ترین فعالیت های این جاش بزرگ شرکت در به محاصره در آوردن و شهید کردن فواد مظفری سلطان و شهید شهسوار اکبری است.

اعدام این مزدور بمنزله، اخباری است بتمام جاشا و جاسوسان کرد و سایر مرتجعینی که برای سرکوب خلق قهرمان کرد به خدمت ارتجاع در آمده اند.

(با استفاده از اعلامیه ۵۸/۸/۱۶ کومه لاه)



بقیه از صفحه قبل
اعلامیه مزبور تحت پوشش دفاع از وحدت خلق کرده مبارزه دهقانان زحمتکش با ملاکین فذ خلق را محکوم میکند. چنین است مفهوم پیروی از "تئوری علمی تکامل جامعه" برای "باختن جامعه عادلانه سوسیالیستی" و "واگذاری زمینهای فذ خلق به دهقانان بی زمین" از دیدگاه حزب دمکرات !!

س.ج.ف.خ.

حزب دمکرات کردستان

س.ج.ف.خ. بجای پیش گرفتن یک سیاست پرولتری نسبت به حزب دمکرات یعنی افشای لیبرالیسم و سازشکاری آن وسی در خارج کردن توده ها از توهم وروانی از نفوذ این حزب به آرایش آن پرداخته و با دنباله روی آزان به زان شده حزب دمکرات کردستان تبدیل شده است. بیانیته س.ج.ف.خ. در باره کردستان میگوید: "این روزها در هر گوشه از ایران می شنویم که مبارزه وسیعی را علیه حزب دمکرات کردستان و سایر سازمانهای انقلابی خلق کرد سازمان داده اند، هسته اصلی ایسن مبارزه جدا کردن خلق کرد از حزب دمکرات کردستان و سایر سازمانهای انقلابی و مبارز است. این روزها اینطور تبلیغ میشود که گویا آراء مردم بسود حزب دمکرات در انتخابات مجلس خیرگان نتیجه تحمیل فشار اسلحه بوده است و دهقانان کردها یکجا ام حزب دمکرات را قبول ندارند... اگر از آراء خلق کرد می پرسید آنها رای خود را به حزب دمکرات کردستان دادند و اگر نظر خلق کرد را در مورد نمایندگانش محترم نمی شمارید آن مسئله دیگر است. چنانچه واقع بین باشیم، چنانچه به حقایق گردن نهیم باید ببینیم که توده خلق کرد به سازمانهای انقلابی خود اعتقاد دارند و آنان را نماینده خود می شمارند. (همچنانکه از زمان است.)

آیا هیچگونه وجه شناسایی بین ایسن برخورد س.ج.ف.خ. به یک حزب بورژوازی با آنچه که تا کنون در مورد سیاست و شیوه برخورد کنونیست نسبت به احزاب بورژوازی گشته ایم، میتوان یافت؟

س.ج.ف.خ. با قرا دادن کلمه "سازمان" نیای سیاسی خلق کرد "دریک ردیف و بسا سکوت کامل درباره ماهیت لیبرالی و سازش کارانه حزب دمکرات و "انقلابی" قلمداد کردن آن مرز بندی نیروهای طبقاتی بسا اهداف متضاد را مخدوش کرده و به دنباله روی توده ها از لیبرالیسم کمک نموده و یکبار دیگر مبارزه طبقاتی را از یاد برده است.

گویا از نظر س.ج.ف.خ. "یک سازمان سیاسی" صرف نظر از محتوا و تعلق طبقاتی آن بصرف اینکه یک سازمان سیاسی است نماینده خلق محسوب میشود؛ چنانچه اساساً

بقیه در صفحه ۸

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلق هاست

بقیه از صفحه ۲

گامی در جهت ...

اکنون آسان در میان کارگران محبوبیت خود را از دست داده اند و از طرف کارگران مبارز و سازش ناپذیری که در کنار رتبه‌ها نما بنده ای که به آنان حیانت نکرده است و با به بیان مانده و حکمیده، در معرض تمسبه هستند. تلاش ایمن نما بیندگان سازشکار و فرصت طلب برای ابقای خود، تلاشی واپسین دم بوده و دیگری نمی‌باید که کارگران آگاه و مبارز در یک بازسازی انقلابی همگی عا صراحتاً روخا شن را تصفیه کرده و سدیکار را از نظور کند مورد خواست واقعی کارگران است. تبدیل به یک سدیکاری انقلابی خواهد نمود. برابری کارگران سراسریان نیز اتحاد و مبارزه در راه پیروزی خلق ها راه دیگری وجود ندارد.

(۳) - در تاریخ ۵۸/۸/۲۵ یکی از همین آقایان نمایندگان در جواب انتقادات اصولی و منطقی یکی از کارگران مبارز، ضمن استفاده از نشو و های سرکوب ارتجاعیون مثل تهمت زدن به اینکه تو کارگر نیستی و خدا انقلابی هستی و غیره، دست به چاقو برد و کارگر مبارز را زخمی و مضروب می‌نماید. این ها تماماً نتیجه سکوت کارگران در برابر نمایندگان خاشن و سازشکار است که بجای خدمت به آنان، خیانت را پیشه خود کرده اند.

کارگران بیگانه افغان در همان روز در سدیکار جمع شده و شدت اعمال ارتجاعی نمایندگان را زمین را نکوش کردند.

بقیه از صفحه قبل

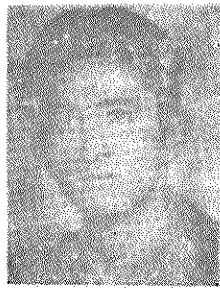
نشو و بر خورد ...

متنفذ باشند که سازمانهای سیاسی کسره نماینده خلق کرد نیستند چگونه خواهیم توانست از طریق مذاکرات و طرق سیاسی، نه نظامی مسئله کردستان را حل کنیم؟ آیا این بجز مذاکره از بورژوازی و راه "حل" مسئله کردستان از موضع و تمام سلطت خاشانه بورژوازی است؟ نتیجه این سیاست چیزی جز هدایت کردن توده های زحمتکش کرد بدست له روی و بزرگده بورژوازی تبدیل شدن است؟ و این "نمایند" "انقلابی" خلق کرد مسئله ملی را بجز در محدوده خواست بورژوازی و "همدستی و بندوبست با بورژوازی ملت های دیگر بضرر پرولتاریا و زحمتکشان "حل" خواهد کرد؟

"وظیفه فعال ادامه، به فرجام رساندن و رهبری انقلاب دمکراتیک سرعنده پرولتاریا قرار گرفته است. انجام این وظیفه تنها در صورتی ممکن است که پرولتاریا بتواند توده های خرده بورژوازی دمکرات، بخصوص دهقانان را در مبارزه علیه استبداد و بورژوازی لیبرال خباثکار و بدشمال خود

گواهی باد خاطرۀ رفیق شهید محمد حاج شفیعیها

ما با اجساد خویش بسوی پیروزی پل زدیم
پس، رفقا! به پیش!
(از یک شعر فلسطینی)



ساواک در اطراف او بمب کار گذاشته بود تا او را ترور کند.
پس از این حادثه، رفیق محمده در دانشگاه هلی تکنیک دست به یک افشاکاری علمی زد و سپس مخفی شد و فعالیت مبارزاتی خود را در بخش منشعب از "سازمان مجاهدین خلق ایران" ادا می‌داد. او در بخش کارگری سازمان فعالیت میکرد و در تدوین و انتشار نشریه "قیام کارگر" نقش فعالی داشت.

در سومین سالگرد شهادت او، بخشون با کش و به آرمان انقلابی اش سوگند یاد میکنیم که تا نابودی کامل سلطه امپریالیسم جهانی، تا برپائی جمهوری دموکراتیک خلق که راه پر شکوه طبقه کارگر را بسوی جامعه سوسیالیستی خواهد گشود، از پای ننشینیم و انقلاب عظیم توده های مان را که تا تمام مانده و در اسارت میوه خینان انقلاب و عاقبت جویا زدیروز افتاده است، بقیامت جان خویش به پیروزی رسانیم. خاطرۀ رفیق شهید محمد حاج شفیعیها و برادر مبارزش مرتضی همچون دیگر شهدای راه آزادی و استقلال ایران گرامی باد.

در آنجا سال ۵۵ یکی دیگر از انقلابیون پرکار و ارجمند را در راهی خلق، یکی دیگر از فرزندان راستین خلق زحمتکش ما، یکی دیگر از سازشکاران سرخ انقلاب خدا دهریالیستی، دموکراتیک و خدا ستما ری توده های ما که صبح روشن فردای زحمتکشان را در آن شب تاریک دوران شاه نوید میدادند، یعنی رفیق شهید محمد حاج شفیعیها (فتح الله)، در یکی از خیا با نهایی تهران، بدست آدمکشان ساواک به شهادت رسید.

رفیق در ۱۳۲۸ متولد شد و دوران تحصیلی را در دبستان سعادت و دبیرستان شریعتی (پهلوی سابق) و دو سال نیز در رشته بسیرق دانشگاه هلی تکنیک تهران گذراند.

در سال ۵۵، برادر بزرگتر او مرتضی که خود دانشجوی آگاه و مبارز بود در دانشگاه شیراز به تحصیل زبان انگلیسی مشغول بود، در آنجا رنجی ریمی که در خوابگاه او و بوقوع پیوست با یک دانشجوی دیگر بشهادت رسیدند. رژیم شاه خاشن اعلام کرد که آن دو در حال ساختن بمب بوده اند ولی رفیق شهید محمد معتقد بود که

بکشاند (لنین - شیوه برخورد ...)

حتی بفرض محال هم که حزب دمکرات به قول رفقای فدائی یک حزب دمکراتیک با گرایش لیبرالی باشد و این قضاوت رفقا نیز صرفاً از این صفت باشد که تاکنون تحویل جامعه از حزب دمکرات کردستان ارائه نشده است. ببینیم در این حالت و بنا ایمن ارزیابی مفروض هم برخورد از مواضع پرولتری چگونه باید باشد؟

"نوسان در دهقانان و احزاب دموکراتیک دهقانی اجتناب ناپذیر است. حزب سوسیال دموکرات (کمونیست) لحظه ای هم نباید از ترس اینکه مبادا چنین نوساناتی منجر به انزوا شود، دست و پای خود را کم کند. هر چه زودتر و بیگانه از خود عدم شهادت نشان می‌دهند و به دنبال روی از لیبرالیته می‌افتند، ما باید بدون ترس و با قاطعیت تمام با ترود و بیگانه مقابله وستی و ناپذیری خرده بورژوازی آنان را اننا و عقیم کنیم. لنین، همانجا

"بگذارد دهقانان بدانند ما باید با استفاده از حقایق این رابطه آنها نشان دهیم که تنها حزب کارگران مدافع و افعالاً تبسسل اعتماد و با ایمان منافع نه تنها سوسیالیسم

بلکه همچنین دموکراسی، نه تنها مدافع همه کارگران و مردم دربند استعمار، بلکه همچنین مدافع منافع تمام توده های دهقانی که علیه استعمار نشودالی می‌جنگند، می‌باشد. همانجا حداقل طی یکسال گذشته عملکردها و مواضع سیاست حزب دموکرات در برخورد با مسایل و رویدادهای سیاسی، برخورد با مسئله ارضی و اتحادیه های دهقانان، برخورد با قیام ده موقت و شهادت آنها و خوانین، موضعگیری در جریان سندج در اشد ما، جریان مرپیان و... و اعلام موضع نسبت به مسئله ملی از طرف رهبران حزب و برخوردشان با دولت قبسل از تهاجم نظامی هیئت حاکمه در کردستان، جلوه های آشکار سیاست لیبرالی و سازشکارانه (با حداقل بقول رفقا گرایش لیبرالیستی!) آنها برای رفقا قابل توجه نبوده که با افشاکاری این سازشکارانه و سیاست های لیبرالیستی در موضعگیری نشان نسبت به حزب در هنگام مقابله نظامی حزب با تهاجم نظامی هیئت حاکمه در کردستان به این جنبه هم توجه کرده و آنرا سازمان عمده و در راس سازمانهای انقلابی و نماینده خلق کرد معرفی نکنند!

در فراندم قانون اساسی، نه مثبت! نه منفی! تحریم انقلابی!

ضمیمه ۳۱

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بیکار

دوشنبه ۵ آذرماه ۱۳۵۸ بها ۱۰ ریال

بمناسبت اوج گیری مبارزات ضد امپریالیستی خلق

تردید نیست که شاه خائن را باید بازگرداند
و حکم اعدام او را در دادگاه خلق صدها بار
صادر نمود و اجرا کرد. اما این فقط جزئی
ناچیز از خواستهای ضد امپریالیستی
توده های مردم است.

با ایمان به نیروی شکست ناپذیر توده های زحمتکش ایران با قاطعیت تمام به نبرد با امپریالیسم غارتگر آمریکا برویم!

امپریالیسم انگلستان سرکرده امپریالیسمها بود،
چه هنگامی که امپریالیسم آلمان قصد سیطره بر کل
بقیه در صفحه ۲

تجاوز ورزگویی، چپاول، غارت و میکیدن خون
خلقها، ذاتی امپریالیسم است. این حقیقت را
امپریالیسم از بدو موجودیت خودش، چه آنزمان که

اینست پاسخ خلق ما به مانورهای آمریکا:

ایران را گورستان امپریالیسم خواهیم کرد

خلقهای ایران در این مرحله از مبارزه صیقل
امپریالیستی خود لحظات حساسی را از سر می گذرانند.
امپریالیسم آمریکا در قیام بهمن ما سه گنگ نما شد.
حامیان و خیانتکاران و سازشکاران داخلی همه از
بقیه در صفحه ۲

سطوری از کارنامه جنایت بار امپریالیسم آمریکا از جنگ جهانی دوم بعد

۱- در ۱۹۴۵ دوشهرزایی هیروشیما و ناگازاکی
را با بمب اتمی ویران کرد. صدها هزار نفر جان خود را
از دست دادند و صدها هزار نفر دیگر تا آخر عمر در نتیجه
آثار مرگبار تشعشعات اتمی معلول و ناقص ماندند

۲- از ۱۹۴۶ به بعد با ۲۲ کشور از کشورهای
آمریکای لاتین که همگی از لحاظ اقتصادی، سیاسی
و نظامی به ایالات متحده وابسته بوده و بسیاری از
آنها هنوز هم هستند، وحشیانه ترین روابط را داشته و
هرزمان که خلق های ستمدیده و مبارز این قاره برای
کسب استقلال سیاسی و اقتصادی خود سر بلند کرده اند
بقیه در صفحه ۳



پیر مردان ویتنامی آمده نبرد با امپریالیسم آمریکا:
خلق ما نیز چنین خواهد کرد

اینست هدیه کارشوربگین به کودکان فلسطین!
صفحه ۷

گزارشی از میتینگ و راهپیمایی ضد امپریالیستی
دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر و
دانشجویان هوادار سازمان (تهران)
صفحه ۶

گزارشی از تظاهرات و راهپیمایی ضد امپریالیستی در آلبانیا
صفحه ۵

گزارشی از اجتماع و تظاهرات ضد امپریالیستی
کارگران بیکار
صفحه ۵

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

با ایمان به ...

جهان را داشت و چه امروز که امپریالیسم جهان‌نحوار آمریکا نقش سرکردگی خود را بازی می‌کند، بخوبی و با وضوح کامل و به قیمت جان میلیون‌ها انسان نشان داده است. آری، قتل، جنایت، جنگ، توطئه، غارت و ... همه از خصوصیات ذاتی امپریالیسم است که در جهت استثمار هر چه بیشتر خلق‌ها بکار گرفته می‌شود. این منطق امپریالیسم است. این راه و روش امپریالیسم است. این خود امپریالیسم است. و با چنین پدیده‌ای، با چنین سیستمی، سیستمی که به قیمت قتل و غارت اکثریت انسان‌های روی زمین به زندگی انگلی و نفرت - بار خود ادامه می‌دهد و فقط با منطق زور می‌توان سخن گفت. امپریالیسم حرف سرش نمی‌شود. امپریالیسم ترجمه واقعی‌اش است. امپریالیسم از اساس جهت‌گیری نمی‌داند. امپریالیسم هرگز در مقابل ضعف و زبونی، استغاثه و التماس از منافع و آزمندی‌های خود دست نمی‌شود. با امپریالیسم باید از موضع قدرت سخن گفت. با امپریالیسم باید با قهر سخن گفت، با امپریالیسم باید با تفنگ سخن گفت. تاریخ نشان داده است هر جا که خلق‌ها تحت رهبری طبقه کارگر، با ساخت ماهیت امپریالیسم، با قدرت و قهر به مقابله با امپریالیسم رفته‌اند، توانستند پوز و خونین و کثیف آنرا به خاک بمالند و هر جا که رهبری آنها بدست سازشکاران و خیانتکاران خرده‌بورژوا و لیبرال بوده است، هر قدر بیشتر به دست و پای امپریالیسم افتاده‌اند، هر قدر بیشتر در مقابل امپریالیسم کرنش کرده‌اند، افزون‌تر و افزون‌تر خلق‌ها را در دام‌هایی که امپریالیسم برای آنها تنیده است، گرفتار نموده‌اند.

در مورد مقاومت خلق و شکست امپریالیسم می‌توان ویتنام را نمونه آورد، که چگونه با تکیه بر نیروی خلق و حقانیت تاریخی‌اش، بزرگ‌ترین و قویترین کشور امپریالیستی جهان را عاجز و درمانده کرد و سرانجام با شکستی نکبت‌بار و سخت‌آور از ویتنام و بلکه از آسیای جنوب شرقی بیرونش انداخت. و اکنون که در میهن عزیز ما، ایران موج عظیمی بر علیه امپریالیسم و بنویزه دشمن اصلی خلق‌های ایران یعنی امپریالیسم آمریکا، سراسر شهرها و روستاها را فرا گرفته، ما باید با تکیه بر نیروی لایزال خلق، با ایمان به نیروی شکست‌ناپذیر توده‌های زحمتکش ایران با قاطعیت تمام به نبرد با امپریالیسم‌فا رتر آمریکا برویم.

برای اینکه چنین کاری را عملی کنیم بایستی به توده‌ها و بخصوص به زحمتکشان ماهیت این مبارزه و عمق آن را توضیح دهیم. باید توضیح دهیم که آنان چه موضع تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت نهائی مبارزه ما بر علیه امپریالیسم دارند و تنها آنها هستند که با رهبری طبقه کارگر می‌توانند تا به آخر بر علیه امپریالیسم مبارزه کنند و دنیا را نوین خود را بسازند.

برای اینکه چنین کاری را عملی کنیم، بایستی به زحمتکشان توضیح دهیم که چگونه هیئت حاکمه فعلی علی‌رغم هماهنگ کردن خود با بخش‌ناچیزی از خواست آنها، نه می‌خواهد و نه می‌تواند طبقه، حسی بر علیه امپریالیسم مبارزه کند.

بایستی به زحمتکشان توضیح دهیم که چرا هیئت حاکمه فروش نفت را به آمریکا قلع نمی‌کنند و سرانجام این آمریکا است که از خرید نفت ما جلوگیری می‌کند! چرا تا بحال هیئت حاکمه حتی یک دلار سرمایه امپریالیسم آمریکا را در ایران بفتح خلق صادره نکرده

بقیه از صفحه ۱

اینست پاسخ خلق ...

علت که رهبری انقلاب در دست پرتوان طبقه کارگر نبود ضربه مرگبار و نهائی خلق ما زانجشید. اما او اینک با موج نوینی از مبارزه، ضدا امپریالیستی خلق ما روبرو شده است. موجی که ادامه، مبارزات قبل از قیام بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا می‌باشد. موجی که امپریالیسم آمریکا را که در نه ماه اخیر به حامیان داخلی خود میوه جینا، انقلاب ایران، امید بسته بود تا بلکه مبارزه توده‌ها را در مسیرهای انحرافی نظیر مبارزه با "کمونیسم" بیاندازد، به هراس انداخته است. در چنین شرایطی است که امپریالیسم آمریکا دست به یک تهاجم همه‌جانبه بر علیه خلق ما زده است. او همچون خرس زخم‌دیده‌ای بخود می‌پیچد، جنگ و دندان نشان می‌دهد، ناوگان جنگی‌اش را بسوی آب‌های کشور - ما گسیل می‌دارد، دست به محاصره اقتصادی می‌زند با تبلیغات وسیعی که در سطح جهانی برای ما اندازد، افکار عمومی جهانی را بسود خود جلب می‌کند و ...

امپریالیسم خون آشام آمریکا، ملت قهرمان ایران را "وحشی" دور از تمدن و ناقض حقوق بین‌المللی معرفی می‌کند و هیما هو و جنجال براه می‌اندازد و ایسن درست در حالی است که جلاد خلق‌های ایران را زیر چتر حمایت خود گرفته و از او دفاع می‌کند و بیشرمانه از "حقوق بشر" و رعایت موازین بین‌المللی حرف می‌زند! اکنون امپریالیسم آمریکا ناوهای جنگی‌اش را روانه آب‌های ایران کرده است. و تفنگداران دریایی‌اش را که در جها رگوشه جهان درس کشتار و قتل عام دیده‌اند، برخ خلق ما می‌کشد. اما مسلماً امپریالیسم آمریکا صرفاً ما را در نظر نمی‌گیرد و زحمتکش ما را که اینک میداندهد و چنین حماقتی نمی‌کند که بخاک ما ستان او و حامیان‌ش خواهد کرد.

اما تماماً می‌این تبلیغات و ما نورها به خلق ما درس میدهد:

- درس می‌دهد که خلق ما هرگز دشمن اصلی خود را فراموش نکند، هرگز فراموش نکند که اگر امپریالیسم آمریکا ضرات جدی تری از خلق ما ببیند ما چه معامله‌ای خواهد کرد!
- درس می‌دهد که خلق ما هرگز به خیانتکاران و میوه جینا، انقلاب که در طی نه ماه گذشته تلاش کرده‌اند، در صفوف خلق تفرقه اندازی نکنند، و توده‌های نا آگاه را از مبارزه بر علیه "امپریالیسم" باز داشته و آنان را به مبارزه بر علیه "کمونیسم" بکشاند، اعتماد نکند!

- درس می‌دهد که خلق ما بیش از پیش برای تصفیه حساب قطعی با امپریالیسم و حامیان داخلی او آماده گردد، و برای اینکا رقیب از هر چیز در سا زمانه‌های راستین انقلابی متشکل شود و با رهبری طبقه کارگر انقلاب دموکراتیک و ضدا امپریالیستی خویش را بسه پیروزی برساند. ■

است. ولی این امپریالیسم آمریکا است که ذخایر ارزی ما یعنی حاصل رنج زحمتکشان ما را مسدود می‌کند! بایستی ...

بدین ترتیب است که از هرگونه خوش‌بختی و زحمتکشان نسبت به اینکه جز خود آنها کسی دیگر نمیتواند تا به آخر علیه امپریالیسم مبارزه کند، مانع خواهیم شد. و بدین ترتیب است که با تربیت زحمتکشان، خواهیم توانست بر امپریالیسم غدار پیروز گردیم و به جمهوری دمکراتیک خلق برسیم. ■

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

بقیه از
صفحه ۱

سطوری از کارنامه جنایت بار امپریالیسم آمریکا از جنگ جهانی دوم بعد

رژیم شاه و گرفتن سهم خود از نفت ایران، کشور ما را در پیمان تجاوزکارانه بغداد (وسیسن ستو) وارد کرد و اجازه یافت که همراه با انگلستان، ترکیه و پاکستان هر زمان که بخواهد در ایران نیرو پیاده کند.

۸- در ۱۹۶۲ آغاز لشکرکشی آشکاره ویتنام بود.

۹- در ۱۹۶۳ (بهمن ۱۳۴۱) فرمان دوم شش ماده‌ای شاه در رابطه با تبدیل رژیم فئودال وابسته ایران به بورژوازی وابسته بمنع امپریالیسم آمریکا و نیازهای اقتصادی، سیاسی و نظامی آن به اجرا گذارده شد.

۱۰- در ۱۹۶۴ در تجاوز مداوم علیه خلقهای مبارز آفریقا و دفاع از نژادپرستی و حکومتهای نژادپرست آفریقای جنوبی و رودزیا، پاریس لومومبا این رهبر ملی و مبارز ضد نژادپرستی را در کنگو طی توطئه ای بقتل رساند.

۱۱- در ۱۹۶۵ بایراه انداختن کودتای فاشیستی در اندونزی سوکارنو را از قدرت خلع و مزدور خسود سوهارتو را به قیمت قتل عام بیش از نیم میلیون از کمونیستها و دیگر نیروهای مترقی به قدرت رساند.

۱۲- در ۱۹۶۷ جنگ تجاوزکارانه اسرائیل علیه خلقهای ستمدیده و مبارز عرب را طرحریزی و پشتیبانی کرد.

۱۲- در ۱۹۷۰ (سپتامبر) خلق قهرمان فلسطین با طرح کمک آمریکا، اسرائیل و ارتجاع عرب، در اردن قتل عام شد و انقلاب فلسطین که بعنوان یک انقلاب نوده‌ای، منافع امپریالیستهای آمریکائی و غیره را همراه با تاج و تخت مزدوران امپریالیسم در سراسر منطقه، خاورمیانه تهدید می‌کرد، با ضربات خونین و دردناکی مواجه گردید.

۱۳- در ۱۹۷۳ توطئه‌های رنگارنگ آمریکا برای فروخواه با ندن مبارزه توده‌های عرب منجر به یک جنگ محدود بین اعراب و اسرائیل گردید تا در آن نمایندگان سازشکار بورژوازی وابسته مصر بتوانند با بهانه مناسب با دشمن بر سر میز مذاکره بنشینند و به آرمان اعراب و بویژه فلسطینی‌ها خیانت تاریخی خویش را بنمایند و آمریکا دوباره پس از دوره ای انزوا و نفرت که در نتیجه مسازرات توده‌های عرب بدان دچار شده بود، بیروز مندانه به منطقه بازگردد.

۱۴- در سپتامبر ۱۹۷۳، امپریالیسم تبهکار آمریکا با طرح یک کودتا از طریق سیا - پینوچه حکومت ملی آلنسدی را سرنگون کرد. در این کودتا دستان بیلس آمریکا با ردیگریه خون هزاران شهید آغشته شد. وصفه دیگری بر کارنامه سیاه او افزوده گشت. باروی کار آمدن

آنها را به خشن ترین شکل، سرکوب نموده است و کودتاهای پی در پی نظامیان فاشیست در شیلی، آرژانتین، اروگوئه، نیکاراگوئه و بولیوی و غیره نیز قتل عام ها، توطئه‌ها و ارسال جاسوسان و دخالت نظامی آنطور که در کوبا و دومینیک و... دیده شده است، همگنی نمونه‌های معدودی از این سیاست امپریالیستی را نشان می‌دهد.

۳- از ۱۹۴۸ به بعد سقوط فلسطین به دست صهیونیستها، امپریالیسم آمریکا نقش درجه اول را در حمایت از اشغالگران صهیونیست و سرکوب خلق فلسطین و دیگر خلقهای عرب داشته است.

۴- در ۱۹۵۲ علی‌رغم شکست سختی که در جنگ کره از دست خلق قهرمان کره خورد، کره جنوبی را به متا به پایگاه تجاوزکارانه برای خود نگاه داشت و ده‌ها هزار تن مستشار و افراد نظامی را برای در بنسند نگاه داشتن خلق کره جنوبی، در آنجا نگاه داشته است.

۵- در ۱۹۵۳ با کودتای خائنه ۲۸ مرداد و واژگونی حکومت ملی دکتر مصدق پایه رژیم سرکوبگر و ضد خلقی شاه فراری را تثبیت کرد.

۶- در ۱۹۵۴ پس از سکست مفتضحانه امپریالیستهای فرانسوی در هندوچین، آمریکا سعی کرد حای بسای محکمی برای خود در جنوب شرق آسیا بوجود آورد و در حمایت از ویتنام جنوبی و مزدورانی که در آنجا به قدرت رسانده بود، تا آنجا پیش رفت که سرانجام به جنگی وحشیانه علیه خلق قهرمان ویتنام و دیگر خلق های جنوب شرق آسیا، دست زد. جنگی که در نتیجه مقاومت دلیرانه، خلق ویتنام، به گورستان امپریالیسم آمریکا تبدیل گشت.

۷- در ۱۹۵۵ پس از انعقاد قرارداد کنسرسیوم با



در حال توطئه بر علیه خلق عرب و انقلاب فلسطین

همه قرارداد های اسارت آور امپریالیستی باید لغو گردد!



سربازان پینوشه این مزدور آمریکائی، مردم را در کوچه و خیابان را حت نمیکذارند.

دیکتاتور سوری پیسوسه علاوه بر هزاران منارز شهید، هزاران نفر دیگر را به زیر شکنجه بردند و زندانی کردند.

۱۵- در ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) بمظور حکیم هرچه مستر قدرت خویش در ایران و منطقه وسپردن ما موریت زاندارمی امیرالایسم در خلیج به شاه، رجا رده لمر رئیس سابق سازمان سیا را به سفارت در ایران سرکرید و سفارت آمریکا در تهران بصورت مرکز توطئه های آمریکا در سراسر منطقه، خلیج درآمد. از آن سعادت که شاه را از چهار جوب ایران فرار کرد اردو به لشکر کشی به آسیای خلیج و سرکوب انقلاب عمان می بردارد و بعنوان سنگ پاسدار منافع آمریکا و دیگر امیرالایسمها عمل می کند.

۱۶- در ۱۹۷۵ آمریکا طرح حنک داخلی لبنان برای سرکوبی انقلاب فلسطین و جنبش ملی و مترقی لبنان را می برد، چکی که با مشارکت فالانژیستهای مسیحی و اسرائیل ۴ سال است که بیرحمانه ادامه دارد.

۱۷- ۱۹۷۸ نایداد رسادات از بیت المقدس پایسه، سارس بجائی و حیانت به خلق عربیه رهبری امیرالایسم آمریکا و کارگزاری سادات و بگیب رحنه می نمود، خیانتی که در کمپ دیوید به نمر رسید.

۱۸- ۱۹۷۹ آمریکا که با او جگیری مبارزات قهرمانان به هر وسیله های شده اس بایگاه استراتژیک خود را "سخت" دهد، و دست به هر توطئه ای می زند، شریف امامی می آورد، کشتار می کند، اراهار می آورد و با رهنم کشتار و بالاخره برای نجات خود و حفظ منافع و عمالکسش، حصار را غلظ می کند....

اما سرانجام خلق دلاور ما در تمام سرکوبه های ماه تا وجود تمام توطئه های بست پیورده، امیرالایسم آمریکا و لیسرالهای حیانت سده زارگان و... و منوعه حسان انقلاب (سختی و...) و رژیم طغیانی را نبود می کند و توطئه های سرکوبگرانه امیرالایسم وارد می سازد. اما سرانجام، امیرالایسم حنک را آمریکا کمک مستقیم و غیر مستقیم تمام عمال و حامیان خود نظیر مرده ها، ساکرها، سرکوبی ها، سربازی ها، حمران ها، پلیس ها، زارگان ها و... و با توجه به حیانتی که آب الله حنک را از آنها کرده است و با توجه به عدم بودنها، منافع خود را غنیمت حساب می کند. در این سده اگر ضراردهای نظامی-سختی و... همچنان با رجا ماند...

امیرالایستی خلق، آنچنان دولت زارگان را بوحشت انداخت که دکتر یزدی، این حامی شناخته شده، آمریکا قرارداد دوجانبه ایران و آمریکا را لغو کرد... اما چنین عقب نشینی ها شی نه او و نه یاران او و نه امیرالایسم آمریکا را نجات نخواهد داد. خلق ما همچنان به پیش خواهد تاخت و با توجه به تحارب ۹ ماهه، اخیر، تا رسیدن به آزادی و استقلال واقعی یعنی جمهوری دمکراتیک خلق از یای نخواهد نشست و مبارزه با امیرالایسم آمریکا را صرفاً دربار زگرداندن شاه خلاصه نخواهد کرد. و بدین ترتیب بوزه، امیرالایسم حنکایتکار آمریکا را در یکی از مناطق مهم جهان بر خاک خواهد مالید. پیروز باد مبارزات ضد امیرالایستی خلقهای جهان درود بر میلیونها شهید خلقهای جهان در آسیا، آمریکا، لاتین و آفریقا که با گلوله ها، بمبها و توطئه های امیرالایسم آمریکا، جان باختند.



۱۷ شهریور خونین

کوتهای از جنایات محمدرضا شاه، این مزدور امیرالایسم آمریکا در ایران

نه سازش، نه تسلیم، پیروزی نهایی اخراج آمریکایی

۷۰ هزار کشته با ۱۰۰ هزار زخمی دیگر نباید سازش دیگر نباید سازش

گزارشی از اجتماع و تظاهرات ضد امپریالیستی کارگران بیکار

روز دوشنبه ۵۸/۸/۲۸ پایان مهلت یکپخته ای بود که نماینده شورای انقلاب برای پاسخ گویی به خواست های کارگران و دیپلمه های بیکاران آنها خواسته بود ، بهمین جهت صدها نفر از کارگران و دیپلمه های بیکار برای جواب گرفتن در خانه کارگران اجتماع کرده بودند . ابتدا یکی از نمایندگان کارگران گفت : "دیروز نزدیک به ۵۰۰ نفر از کارگران به سرکردگی یکی از ما موران کمیته جوادیه با حالت حمله به خانه کارگران آمدند و دنبال "گروگانها" میگشتند . وقتی به آنها گفتیم ، اینجا بجز ما کارگران بیکار کسی نیست ، خجالت زده گفتند : پس ما گفته بودیم ، عده ای کارگر نما و آمریکائی چند نفر را در خانه کارگران گروگان گرفته اند ! این عده سبب با وجودیکه ما مور کمیته مرتب آنها را علیه ما تحریک میکرد ، رفتند .

آنگاه کارگردیگری پشت میکروفن رفت و گفت : " من یک کارگر ساده ۸ ماهه هست که بیکارم و دو تنای بچه دارم . تاکنون ۸ هزار تومان قرض گرفته ام و خورده ام ، دو برج است کرایه خانه ام عقب افتاده ، دیگر خجالت میکشم بخانه بروم . چند شب پیش سه زن و بچه ام گفتم من خودم را میکشم ، شما هم راحت میشوید . یکدفعه هم خودم را زیر تریلر انداختم ، اما نمردم . همه چیز گران شده ، بخدا قسم فتیله چراغ تمام شده ، پول ندارم بخرم و الا آن ۵ تومان بیشتر پول ندارم . آنوقت حرف هم که بزنی میگویند ، خدا نقلایی ، آمریکائی هستی . پس کارگردیگری پشت تریبون رفت و پس از آنکه از اشک ریزه مشکلاتش گفت : " من در تصرف اینستگاه رادیو شرکت دارم ، در آن شب چندین نفر از دوستانم که همگی از شهری رفته بودند شهید شدند . حالا بیشتر ما به هم میگویند آمریکائی هستیم . اما آنها که از خارج آمدند و هنوز صبر میاورندشان خشک نشده ، مثل آقای جمران و قطب زاده و ... اینها " انقلابیند . "

پس از آن چندین کارگردیگری صحبت کردند که یکی از آنها نماینده شورای کارگران کارخانه نخ زرین بود . وی طی سخنانش گفت : " ۲۸ روز است کارفرما فرار کرده و ما خود کارخانه را اداره میکنیم . با وجودیکه ۴۵۰ هزار تومان جنس آماده داریم ، به توصیه کارفرما بازاریان از ما جنس نمی خریدند و میگویند اشکال " شرعی " دارد ، از این روزها کارگران عقب افتاده است . دولت هم از سرمایه دار حمایت میکند و با وجودیکه از وضع ما با خبر است ، هیچ اقدامی نمیکند .

آقای کنی گفته است ، جنید کارگردان انقلابی بین شما هست ، آنها را بیرون کنید تا بشما کمک کنیم . اینها میخواهند با حیل و فریب کارگران آگاه را بنام ضد انقلابی از ما جدا کنند ، اما کور خوانده اند . ما کارگران هم خودمان را خوب می شناسیم و هم کمیته چپ ها را . پس کارگردیگری پشت میکروفن رفت و ضمن سخنانش گفت : " ... در زمان شاه خائن زندانها پر بود از انقلابیون و روشنفکران صادقی که در راه آزادی طبقه کارگر میمیدان مبارزه آمده بودند ولی امروز بسیاری از زندانیان سیاسی ، خود کارگران هستند و این بسیار امیدبخش است . این مسئله نشانه نویندهنده روزی است که طبقه کارگر بطور گسترده پا در میدان مبارزه میگذارد و میگوید که همه کارها را خود بدست گیرد . " وی سپس قطعه شعری را که

تنهاره رهائی از یوغ وابستگی وحدت زحمتکشان رهبری کارگر

گزارشی از تظاهرات ضد امپریالیستی در آبادان

طبق قرار قبلی و به درخواست گروهی از آبادانیان - آموزان و دانشجویان ، راهپیمایی از روزی پروت سرسخت بدنی واقع در کوی کارگران در آن سینه دو هزار نفر شرکت کردند . شعارها رفتن سوسیالیزم کمیته هماهنگی تهیه شده بود و پلاکاردهائی برای زحمتکشان تمام گروههای شرکت کننده در راهپیمایی حمل میشد . کمیته هماهنگی راهپیمایی عبارت بود از دانش آموزان و دانشجویان مازنی . دانش آموزان هوادار سازمان بیکار ، سردانشان آموزشگاه (سازمان توده) انقلابی دانشجویان و دانش آموزان . سعی از شعارهائی که در این راهپیمایی داده میشد عبارت بود از : " دست تاراجکری یانکی از ایران کوتاه " ، " سازش ، تسلیم پیروزی نهائی اخراج آمریکایی " ، " تحویل شاه خائن فریاد ملت ماست ، بیکار با آمریکا خواسته خلق ماست " ، " خریه " دیگر ما ، پر پیگر آمریکا به همت سفتکاران . قطع صدور نفت است " ، " همیشه پاینده یاد اتش رزم ملت " ، " قیاده موقت ، این جاسوس آمریکا ، از کردستان ایران اخراج باید کرد " ، " آمریکا ، اسرائیل دشمن خلقهای ما . عمان ، فلسطین ، متحد خلق ما " و ... و بعد از گذشتن صف راهپیمایی از خیابان اصلی کوی کارگران در منطقه دیگری از کوی کارگر (لامسی) شد . در این راهپیمایی اعلامیه ها نیز با نظم خوبی پخش میشد و آنها را دست به دست میکردند و به تمام خانه هائی که در مسیر راهپیمایی وجود داشت اعلامیه میدادند . بعد از بیمودن مسافتی دیگر در پشت در مان نگاه کوی کارگران در نزدیکی دیرستان جاوید ، راهپیمایان را دعوت به پیشتر کشیدن و در این موقع قطعنامه راهپیمایی توسط یکی از دانش آموزان قرائت شد و سپس پرچم آمریکا به آتش کشیده شد . توده های مردم و راهپیمایان با کیه و نفرت به پرچم آمریکا که در حال سوختن بود می نگرستند . بعد از سوختن پرچم راهپیمایان جایی تازه گرفته ما شعار ترک سر کارتر ، مرگ بر آمریکا " بر راهپیمایی ادا نمیدادند . و بطرف خیابان کارگر حرکت کردند . در ابتدای ورود به خیابان کارگر راهپیمایان گفته شد که کم کم متفرق شوند ، عده ای متفرق شده و عده ای با دادن شعار در خیابانهای فرعی کم کم متفرق شدند .

خود سروده بود قرائت کرد که در آخر این گزارش ضمنیاتی از آنرا ملاحظه خواهید کرد .

در این موقع کارگران در راهپیمایی از رفتن زندانیان که هفته قبل دستگیر شد و با وجودیکه آزادی وی یکی از خواسته هایشان بود و نماینده شورای انقلاب " قول " داده بود که در اولین فرصت وی را آزاد کنند . ولی همچنان در بند بود ، شعار دادند که : کارگر زنده است آزادی یابد .

آنگاه نماینده وزارت کارست میکروفن رفت و گفت : " یکی از خواسته های شما که بیمه بیکاری بود ، مورد بررسی قرار گرفت و برای تصویب به شورای انقلاب فرستاده شد . " وی آنگاه از نماینده کارگران خواست که روز پنجشنبه ۵۸/۹/۱ به وزارت کار مراجعه کنند . از آن کارگران بدنبال مدتی بحث تصمیم گرفتند .

خلق هامی رزمند ، امپریالیسم می لرزد

تنها کارگران و زحمتکشان قادرند

سلطه امپریالیسم را قطع کنند

گزارشی از میتینگ و راهپیمایی ضد امپریالیستی دانشجویان مبارز ... و دانشجویان هوا درسا زمان (تهران) روز سه شنبه ۸/۲۹ از طرف دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر و دانشجویان طرفدار سازمان پیکار، میتینگ و راهپیمایی ضد امپریالیستی در زمین چمن دانشکده پلی تکنیک تهران برگزار شد. برنامه در ساعت ۳ بعد از ظهر آغاز گردید، در زمین چمن دانشکده پلی تکنیک پلاکاردهایی با مضامین زیر چشم میخورد:

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ما، حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست، تنها کارگران و زحمتکشان قادرند سلطه امپریالیسم را قطع کنند، محدود کردن مبارزات خلق به استرداد شاه خائن، به بیراهه کشاندن مبارزات ضد امپریالیستی توده هاست، سرکوبگران زحمتکشان انزلی نمیتوانند ضد امپریالیست باشند، پیروز باد مبارزات رهایی بخش خلقهای جهان بر علیه امپریالیسم جهانی، کار برای کارگر، زمین برای بزرگر، خودمختاری خلق ها، دمکراسی توده ای برای ایران، افشای خرید ۲/۵ میلیارد دلاری از آمریکا در دولت بازرگان جزء خواستهای ضد امپریالیستی خلقهای ایران است، مبارزه با امپریالیسم یعنی قطع نفوذ اقتصادی - سیاسی - نظامی و فرهنگی امپریالیسم که آنهم تنها از عهد کارگران و زحمتکشان و دیگر اقشار خلقی برمی آید نه بوسیله سرکوبگران خلقها.

در آغاز پیام دانشجویان مبارز و دانشجویان طرفدار سازمان پیکار، خوانده شد، که در آن به مبارزات ضد امپریالیستی خلق و ماهیت ضد انقلابی هیئت حاکمه در رابطه با مبارزات خلقی گردو بندر انزلی و ادامه سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم اشاره گردید.

در این میتینگ درباره ماهیت مجلس خبرگان و اصل ارتجاعی "ولایت فقیه" و برسمیت شناخته شدن سرمایه داری وابسته نیز صحبت شد. و سپس قطعنامه میتینگ قرائت گردید.

پس از پایان میتینگ راهپیمایی بطرف مرکز توطئه آمریکا بر علیه خلقهای ایران آغاز گردید. راهپیمایان که به چندین هزار نفر میرسیدند پس از رسیدن به تقاطع خیابان آیت الله طالقانی بسا سپید قره نی به سمت خیابان فردوسی حرکت کرده و راهپیمایی خود را با شور تمام و در حالی که شعارها - شی نظیر: قرارداد نظامی با هرا امپریالیست الغاء باید گردد - خون شهیدان خلق میدهدت این پیام - مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع - بازگشت شاه خائن، اعدام شاه خائن کوچکترین خواست خلق - مهمترین خواست خلق، نابودی آمریکا، نابودی ارتجاع - را تکرار میکردند از میدان فردوسی بطرف میدان امام خمینی (سپه سابق) و از آنجا بطرف پارک شهر حرکت کردند و سپس در حالیکه شعار مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع میدادند متفرق شدند. در طول راه هیچگونه

بطرف سفارت آمریکا راهپیمایی کنند، و جمعیت ساعت ۱۲/۵ براه افتاد. بعضی از شعارهایی که در بین راه می دادند عبارت بود از:

آمریکا تو خالی است، ویتنام گواهی است. ۷۰ هزار کشته، با ۱۰۰ هزار زخمی، دیگر نباید سازش، دیگر نباید سازش. توطئه آمریکا، دیگر اثر ندارد.

ساعت ۲ بعد از ظهر جمعیت به سفارت آمریکا رسید و قطعنامه خود را خواند که در زیر قسمتی از آنرا ملاحظه میکنید:

"ما از دانشجویانی که خواهان قطع کامل تمام وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی و... با آمریکا هستند پشتیبانی کرده و در زمینه سیاسی خواهان: ۱ - قطع کلیه قراردادهای اقتصادی، سیاسی، نظامی با آمریکا، ۲ - مصادره سرمایه های امپریالیستی و بخصوص امپریالیسم آمریکا، ۳ - افشاء کلیه قراردادهای ایران و آمریکا، ۴ - استرداد بدون قید و شرط شاه خائن و محاکمه او در دادگاه خلق ایران، و در زمینه صنفی خواهان: ۱ - ایجاد کار بدون سرمایه های امپریالیستی برای همه بیکاران، ۲ - پرداخت حق بیمه بیکاری به همه بیکاران، ۳ - دادن دفترچه بیمه درمانی به همه کارگران، (چه شاغل چه بیکار)، می باشیم.

آنگاه جمعیت با شعار "سازش با آمریکا بر سر تحویل شاه، افشاء باید گردد" بسوی میدان فردوسی حرکت کرد و در آنجا با این قرار که اولین پنجشنبه بعد از عاشورا در خانه کارگران اجتماع خواهند کرد، از هم جدا شدند.

در زیر قسمتهایی از کارگران را که خودسر و در خانه کارگران قرار داشت کرد، ملاحظه میکنید:

- ما همه رنجبریم
- ما همه کارگریم
- دست بریننه ما
- حامل یک عمر تلاش
- سالمها سوخته و ساخته ایم
- تا که آید روزی
- دست در دست همه رنجبران
- بحر و تنم از جسم
- ویکوسم که آزاد شویم
-
-
- و سحاک اندازیم
- رحم کهنه استعمار و استثمار
-
-
- و حواسم نه آوار بلند
- رحمی با نداگر برافراشته باسد
- رحم کارگر و دهقان است
- ریک خون، ریک رحمی که بر من داریم
- و بر آن نفسی باسد از
- دای بر سوکت دهقانان
- حکس کارگران.

تحویل شاه خائن فریاد ملت ماست، پیکار با آمریکا خواسته خلق ماست

اینست هدیه کارتر و بگین به کودکان فلسطین!



از چهره، پر ریب و ریای امپریالیسم برمی‌گیرند و او را وادار می‌کنند تا بزبان اصلی خود سخن گوید: جنگ و کشتار را اینک خلق های ایران بیا خواسته اند. ما همراه و هم‌رزم فلسطینیم. فلسطینی که جگمه های خونین آمریکا و اسرائیل بر آن سنگینی می‌کند. ما در جنبه متحد شده های ستم‌دیده، جهان بر علیه امپریالیسم می‌جنگیم. شعله های خشم مقدس خلق اکنون بر علیه امپریالیسم آمریکا زبانه می‌کشد. توده ها مصمصا سه پیش می‌روند. آنها این نبرد حماسه آمیز را بیابان خواهند رساند.

هر چه شعله ورترباد آتش خشم و نفرت توده ها بر علیه امپریالیسم ننگ و نفرت بر امپریالیسم جهان خوار آمریکا و حامیان داخلی او

چهره این فلسطینی سوخته از آتش بمب های ناپالم، بشردوستانه آمریکائی را به بهترین شکلی به نمایش می‌گذارد. امپریالیسم آمریکا به فلسطین قهرمان، به فلسطینی آواره و مبارز بمب آتش را "هدیه" می‌کند. ویرانی، سوختگی، انهدام، غارت و کشتار همواره "هدیه" امپریالیسم آمریکا به خلق های ستم‌دیده جهان به شیفتگان آزادی بوده است. "هدیه ای که امپریالیسم آنرا در بسته بندی "حمایت از کشورهای دوست" و "جلوگیری از خطر کمونیسم" عرضه می‌کند. اما خلق های ستم‌دیده با مبارزات قهرمانی و حماسه آمیز خود، این یرده عوام فریب را از هم می‌درند آری، آمریکا که گاهی به زبان "دیپلماتیک" سخن می‌گوید، آنگاه که منافع خود را در خطر ببیند، آنگاه که خلق ها برای کسب استقلال و حقوق از دست رفته خود برخیزند، زبان آتش و کشتار را رومی‌کند. مبارزات اوج گیرنده توده های ستم‌دیده، ماسک "حقوق بشر" را

لومومبار رهبر ملی
و ضد نژاد پرست
آفریقا که بنا
طراحی آمریکا به
شهادت رسید.

درگیری پیش نیامد و مردم اعلامیه ها و تراکتهائی را که پخش میشد با علاقه تمام میخواندند. تنها در نزدیکی خیابان باب همایون، عده ای از عناصر سر ناآگاه، با اشعارهای "رهبر فقط روح الله"، "حزب فقط حزب الله" و... سعی در ایجاد اغتشاش کردند که با متانت همیشگی رفقا و دوستان شرکت کننده در راهپیمائی روبرو شدند. بعضی شعارهای دیگر عبارت بودند از: کرد، عرب، ترکمن، دشمن امپریالیسم - سرکوبگر - ان خلقها همدست امپریالیسم. دهها هزار کشته، صدها هزار زخمی، نه سازش نه تسلیم، نبرد با آمریکا.



اتحاد و همبستگی تمامی نیروهای راستین خلق

ضامن پیروزی بر امپریالیسم است

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۸/۹/۴